

همبستگی مردم را نشانه رفته اند

ارزیابی فعالان سیاسی از بیانیه اخیر سیدمحمد خاتمی

گروه سیاست: در پی حمله اسرائیل و آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران در کنار حملات پیشین که نقاط مختلف کشور هدف قرار گرفته بود؛ سیدمحمد خاتمی، رهبر جریان اصلاحات دومین بیانیه خود را در راستای محکومیت اسرائیل با تبیین این موضوع که «هدف اصلی این جنگ تحمیلی، نابودی توان ملی و حیات ایران یکپارچه و ایرانیان همبسته است»، منتشر کرد که در آن به برخی موضوعات ازجمله تلاش

آقای خاتمی درباره م برهم زدن همبستگی از سوی دشمنان در بیانیه خود چنین گفته است: «متجاوزان پیش از تخریب بنیان‌های دفاعی، اقتصادی و صنعتی درصدد تضعیف و تسخیر ذهن، روان و افکارجمعی بوده و هستند...»



حمیدرضا جلائی‌پور: برای اینکه به اهمیت سخن آقای خاتمی پی ببریم، خوب است که به ماهیت جنگ اسرائیل نسل کش و ویژگی‌های آن اشاره کنیم. اسرائیل جنایتکار در حالی که ایران با آمریکا در حال مذاکره بود، به سرزمین ایران یک تهاجم «برق آسا» کرد؛ تهاجمی که مبتنی بر شوک و وحشت بود. نقشه اسرائیل غاصب این بود که سر جمهوری اسلامی را بزند (یعنی شهادت فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای)، آنگاه مردم ناراضی ایران به خیابان می‌ریزند و در یک آشوب سیاسی، جمهوری اسلامی را ساقط می‌کنند، اما دیدیم که این نقشه شوم عملی نشد. فرماندهان نظامی پس از شش ساعت با حمله به اسرائیل شروع به ادب کردن اسرائیل کردند. مردم ایران به‌رغم ناراضیاتی‌های قبلی در برابر دشمن اسرائیلی یکپار چه شدند و چنان صحنه‌ای پیش آمد که اسرائیل ترسید و دست به دامن آمریکا شد و آمریکا یکم تیرماه، تعرض به خاک ایران کرد. لذا همانطور که می‌بینید جنگ روانی و مداخله ذهنی در افکار عمومی ایران، رکن این تهاجم اسرائیلی بود و مردم ایران با آگاهی، این توطئه را خنثی کردند و جناب خاتمی به‌درستی به آن اشاره کردند.



حمیدرضا جلائی‌پور: خاتمی در گذشته از مسئولان بی‌مهری دیده‌ولی همیشه اولویت اول اش دفاع از تمامیت ایران و نظم سیاسی کشور بوده است. الان هم خاتمی دارد حقیقت را می‌گوید. یعنی می‌گوید بخشی از مردم ناراضی بودند ولی این مردم با آگاهی و همبستگی خود، در ۱۱ روز گذشته توطئه دشمن را خنثی کردند. خاتمی فرد مجربی است. این جنگ ممکن است فرسایشی شود. لذا چهار عنصر در دفاع از ایران مهم است؛ اولاً اینکه، تا پیروزی در جبهه جنگ، همین همبستگی مردمی ادامه پیدا کند. ثانیاً اینکه، از تلاش‌های قهرمانانه نظامیان ایران در برابر ارتش رژیم غاصب، دفاع کنیم. ثالثاً، اینکه خدمات عمومی به مردم از سوی سازمان‌های اداری دولت تداوم پیدا کند. رابعاً اینکه، نیروهای جامعه مدنی در



حمیدرضا جلائی‌پور: در اینجا هم خاتمی به نکته مهمی اشاره کرده است. دوباره به صحنه جنگ توجه کنید. ایران برای غلبه بر دشمن غاصب، دو کار مهم باید هم‌زمان انجام دهد و این دو کار با هم منافات ندارند، بلکه لازم و ملزوم هم هستند. یکی اینکه، کشور شایسته است برای یک جنگ فرسایشی و غیرکوتاه‌مدت با اسرائیل غاصب آماده شود. چون ایران توطئه جنگ برق آسای نتانیاہوی جنایتکار را خنثی کرد. لذا احتمال طولانی شدن جنگ وجود دارد. حالا اگر جنگ زودتر تمام شد، چه بهتر. ولی تا اتمام جنگ ما باید از نظامیان دفاع قاطع بکنیم. اما نکته دوم اینکه، هم‌زمان دستگاه دیپلماسی با سرعت باید هدف «پایان جنگ» را با عزت دنبال کند. هر دوی این کارها کار مهمی است. حرف خاتمی این است که نباید احساسی عمل شود و با تدبیر و عقلانیت باید عمل کرد. مثلاً مدیران کشور برای تقویت دیپلماسی می‌توانند از امکانات فراتر از عراقچی استفاده کنند. مثال می‌زنم؛ مثلاً از علی لاریجانی در ارتباط با چین بیشتر می‌توان استفاده کرد. یا از ظرفیت دکتر جواد ظریف برای «تقویت دیپلماسی علنی» بیشتر می‌توان استفاده کرد. در پایان در این روزهای جنگی، من به یک کنش احساسی اشاره کنم. در این ۱۱ روز، صداوسیما در روحیه‌دادن به مردم خوب کار می‌کند. ولی مضمونی که



فیض الله عرب‌سرخي: برداشت آقای خاتمی درست است. موضوع تضعیف و تسخیر ذهن مردم با دو جهتگیری همراه است. ابتدا اینکه در پی ساقط کردن حکومت هستند و برای دستیابی به چنین منظوری با این فضای ذهنی که مردم ما امروز دارند، این اتفاق نمی‌تواند رخ دهد. نکته دوم این است که آنها در پی تجزیه ایران هستند. از سال‌ها پیش از سوی دشمنان ما گفته شده است که ایران بیش از حد بزرگ است و باید کوچک شود، بنابراین این فضای ایجادشده را مغتنم شمردند که با فضاسازی و کار روانی بر افکار عمومی، به این سمت پیش بروند و در پی تجزیه ایران باشند، اما چنین کاری را نمی‌توانند انجام دهند چرا که مردم با وجود تمام انتقاداتی که به رفتار حکومت دارند، حاضر به آسیب‌دیدن ایران نیستند و تحمل چنین ضربه‌ای را به ایران ندارند. بخش‌هایی از مردم احتمالاً به نظام نیز دلبستگی دارند اما این یکپار چگی که در دفاع از ایران وجود دارد، این اجازه را نخواهد داد که آنها به اهداف خود برسند و می‌بینید به‌رغم همه تخریب‌هایی که صورت گرفته است؛ تخریب‌هایی که به پایگاه‌های نظامی، هسته‌ای، زیرساخت‌ها و امکانات کشور ما وارد شده است، شما در

کنند ایران مورد تهدید قرار گرفته است، این گونه رفتار می‌کنند که نقد حکومت ا را فراموش کردند و به صحنه آمده و امروز از ایران دفاع می‌کنند. خود این دفاع پشت گرمی و دلگرمی می‌شده است که مردم نیز به همین نگرش مبتنی بر اینکه فعلاً انتقادات خود را کنار بگذارند و به فکر ایران باشند پیوندند.



سعید شریعتی: جامعه ایران، جامعه رشیدی است و تاریخ آن پر از موقعیت‌هایی است که وطن و تمامیت سرزمینی کشور مورد تجاوز قرار گرفته است. این ملت از آموزه‌های تاریخی خودش استفاده می‌کند و شرایط را تشخیص می‌دهد. من فکرمی‌کنم جامعه ایران اگر چه به‌دلایل مختلف بسیار ضعیف و شکننده شده است؛ ولی با این حال در شرایطی که خطر جدی و تهدیدی عینی برای تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی خودش احساس می‌کند، یکپار چه

غیر مستقیم نشر می‌دهد، هدف محبویک کشور است (به‌عنوان شاهد ببینید در این ۱۱ روز فقط از یک طیف رادیکال کارشناس به صداوسیما دعوت کرده است). گویی در یک فضای استغنائی تحلیلی تبلیغ می‌کند، در صورتی که هدف تبلیغی صداوسیما باید موضوعی قابل دسترس باشد. مثل هدف «پشیمان کردن متجاوز» یا هدف «پایان عزتمندانه به جنگ»؛ اینکه ایران نه دنبال «شروع» جنگ بوده، نه دنبال «تداوم» جنگ است، توجه داشته باشید یکی از علل همبستگی مردم در این روزهای جنگ، این بوده که مردم می‌دیدند ایران دنبال مذاکره بود و این اسرائیل بود که حمله به خاک ایران کرد. لذا طبیعی است که دفاع حکومت هم در برابر اسرائیل متجاوز مورد حمایت مردم قرار بگیرد. اگر بیشتر روی اهداف شعاری در جنگ تکیه شود، به‌مرور مردم را خسته می‌کند.



فیض الله عرب‌سرخي: طبیعی است زمانی که ایران محور همه مباحث باشد، هر نیرویی که قدمی برای ایران بردارد، مورد حمایت قرار می‌گیرد و طبیعی است در شرایطی که نیروهای مسلح، نیروهای امنیتی و انتظامی یکپار چه ایستادند تا از ایران دفاع کنند، خطاهای گذشته آنها فعلاً نادیده گرفته شود و نقد‌های گذشته به کنار گذاشته شود و یکپار چه از این نیرو دفاع شود. مردم چه در داخل

جامعه یک آرامش یکپار چه‌ای را می‌بینید که برآمده از دل‌بستگی‌ها به ایران و سرزمین ماست.



سعید شریعتی: یکی از ابزارهای مهم در اقدامات نظامی علیه یک کشور توسط دولت متخاصم؛ عملیات روانی و ایجاد ترزلر روانی در حمایت از نیروی نظامی و عملیات دفاعی آن کشور و ایجاد چنددستگی و تضعیف پشت میدان است؛ این موضوع هم مبتنی بر ناتوان نشان دادن نیروی دفاعی مجموعه هدف و تلاش برای ایجاد آشوب و شورش داخلی است. اینها اهدافی است که مجموعه دستگاه جنگ روانی و عملیات روانی دولت متخاصم به‌راه می‌اندازد. زمینه‌سازی برای این کار هم مدت‌ها پیش از عملیات نظامی صورت می‌گیرد و طبعاً مبتنی و متکی بر ضعف‌های عینی، اختلالات و اخلا‌هایی است که در شرایط عادی بین جامعه و حکومت، بین مردم و نیروی نظامی آن کشور وجود دارد. اینها پروژه‌های سنگین رسانه‌ای و عملیات‌روانی است که در شرایط جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ آقای خاتمی هم طبعاً به این موارد اشاره و توجه دارند و نسبت به این ماجرا هشدار می‌دهند و هوشیاری جامعه، حکومت و نیروی نظامی را در این زمینه طلب می‌کنند.

به نظر شما این تاکید خاتمی بر اینکه رفتار مردم فداکارانه و همدلانه بوده است، با این توضیح که «اکثریت قاطع مردم به‌رغم همه تفاوت‌ها، تمایزها، گرایش‌ها و حتی ناراضیاتی از وضع موجود و انتقاد از برخی رویکردها و شیوه‌های حکمرانی» به میدان آمده‌اند؛ چقدر ضروری است که به مسئولان گوشزد کرده است؟

به وطن و میهن وفادار است و به‌رغم همه گلابه‌ها و مشکلاتی که وجود دارد؛ منسجم و یکپار چه پشت وطن قرار می‌گیرد و از میهن دفاع می‌کند و این موضوع ربطی هم به رابطه حاکمیت و ملت ندارد؛ ملت، میهن خودش را فراتر از همه منازعات سیاسی و اختلافاتی که وجود دارد، پاسداری می‌کند. این یک عرق ملی، تجربه تاریخی و ضمیر فرهنگی ملت ایران است و اصلاً نیازی به پروپا‌گاندای دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای حکومت ندارد. در اینجا جامعه منتظر حکومت نمی‌ماند و این حکومت و رسانه‌های حکومتی هستند که باید قدر دان ملت باشند، پشت‌پشت ملت حرکت کنند و دست از انحصار طلبی و محدود کردن صدای مردم بردارند. باید از این فرصت به‌درستی استفاده کنند، نه اینکه به‌زتاب‌دهنده همان دیدگاه‌ها، باورها و اعتقادات خاص و محدود اقلیتی باشند که یکسری از این مشکلات هم ناشی از همان رفتارها و تفکرات است.

کشور، چه در خارج از کشور یکپار چه از نیرویی که پای حفظ سرزمین، اقتدار کشور و تمامیت‌ارضی ایستاده‌اند مورد حمایت قرار می‌گیرند و امیدواریم این حمایت‌ها مبتای دلگرمی بیشتر در همه نیروها و ایستادگی آنها خواهد شد.



سعید شریعتی: عقلانیت، خردمندی و رفتار مبتنی بر هزینه و فایده، اصل اساسی نیروی نظامی است؛ یعنی در نیروی نظامی ما بیش از هر جای دیگر باید عقلانیت مبتنی بر هزینه و فایده حاکم باشد. باید هزینه و فایده هر موشکی که از طرف ایران شلیک می‌شود، سنجیده شود. این مسائل روشن است. محل بروز و ظهور عقلانیت هزینه و فایده، معرکه نظامی است. لذا نیروهای مسلح مادر چنین شرایطی برای هر اقدامی، چه آفندی و چه پدافندی، هزینه و فایده را لحاظ کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای عملیات پدافندی کشور، ابتناء رفتار، اقدام و هدف‌گذاری نظامی بر اساس اراده، خواست و نگاه ملی است. نیروی نظامی ما، باید از این همدلی ملی استقبال کند. افکار عمومی از کلیت نیروی نظامی ملی و این دفاع مقدسی که شکل گرفته، حمایت می‌کند، ولی اگر بخواهد این حمایت ادامه پیدا کند، این ماجرا باید دوسویه باشد؛ یعنی نیروی نظامی ما باید نگاه کند که چگونه می‌توانند این حمایت را احداث‌سازی کنند.

نگاه هم‌میهن

از تلاش منتقدان تا بی‌توجهی برخی مسئولان



سمیه متقی
دبیر گروه سیاست

بامداد ۲۳ خردادماه حمله متجاوزانه اسرائیل به خاک ایران آغاز شد و در پی ادامه این‌ اتفاق، بسیاری از چهره‌های ایرانی در راستای همبستگی بیشتر حتی با وجود اختلاف‌نظر سیاسی با حاکمیت ایران، با انتشار بیانیه یا اظهارنظر در صفحه‌های شخصی خود در فضای مجازی در کنار محکوم کردن حملات، ابراز همدردی با کشته‌شدگان به‌ویژه غیرنظامیان نیز اتفاق افتاد؛ در این میان هم شاهد بودیم چهره‌های اپوزیسیون خارج از کشور همچون عبدالکریم‌سروش، محسن کدیور، علیرضا رجایی، حسن یوسفی اشکوری، پرستو فروهر و... در این جبهه با مردم ایران همراه شدند و در داخل نیز منتقدان، معترضان و اصلاح‌طلبان که طی سال‌های گذشته با بی‌مهری بسیاری از سوی جریان حاکم روبه‌رو بودند، پشت‌تاز این همراهی شدند. نمونه باز این اتفاق هم بیانیه چهره‌های شاخصی مانند زهرا رهنورد از حصر، مصطفی تاج‌زاده از زندان، سیدمحمد خاتمی و مهدی کربوی رهبران جریان اصلاحات است که باتوجه به اینکه هنوز پایگاه اجتماعی در داخل کشور دارند، با انتشار بیانیه‌ها در همان روزهای آغازین به‌دنبال ایجاد همبستگی بیشتر در مردم در برابر موج گسترده تلاش‌ها برای تعریف «جنگ اسرائیل با حکومت است، نه مردم» بودند. در ادامه این تلاش‌ها روز اول تیرماه هم پس از ورود آمریکا به این درگیری، سیدمحمد خاتمی که رهبر جریان اصلاحات محسوب می‌شود، بیانیه قابل توجه و تأملی منتشر کرد و در آن از «تجاوز شریانه... آمریکا علیه ایران» گفته و تاکید کرده است: «هیچ سرزمین، ملت و دولت توسعه‌گرایی» از ادامه و تحمیل جنگ سود نمی‌برد. در ادامه هم از تلاش‌ها برای «تضعیف و تسخیر ذهن، روان و افکار جمعی» از گذشته سخن گفته است که اتحاد و انسجام ملی را نشانه رفته و تاکید می‌کند: «اکثریت قاطع مردم به‌رغم همه تفاوت‌ها، تمایزها، گرایش‌ها و حتی ناراضیاتی از وضع موجود و انتقاد از برخی رویکردها و شیوهای حکمرانی فذاکارانه و همدلانه به میدان آمدند» و با همین سخنان و با اشاره به اینکه «راه عبور از این پیچ خطرناک» علاوه بر اتکا و اعتماد به رحمت الهی، همین «اتحاد و انسجام» ملی است، بغنوعی این رفتار مردم نازنین را به حاکمیت گوشزد می‌کند. بیانیه خاتمی مانند اغلب بیانیه‌های دلسوزان ایران تاکید و تلاشی برای افزایش همدلی و همبستگی در جامعه بود و البته متفاوت از بسیاری از بیانیه‌ها برای حفظ این همبستگی، حاکمیت را هم خطاب قرار داده که قدر و ارزش این حس ایجادشده در مردم را بدانند و مراقب آنها که به‌دنبال غیرسازی هستند و خواسته یا ناخواسته با سخنان‌شان بر کهنز خم‌ها در جامعه نمک می‌پاشند نیز باشد. چیزی که متأسفانه در جریان نزدیک به حاکمیت تا بی‌توجهی روبه‌روست، نمونه اولیه‌اش بیانیه یک گروه سیاسی بود که حامیان دیپلماسی و مذاکره در گذشته مقصر جنگ عنوان کرد. نمونه اخیرش پخش گفت‌وگوی یکی از مسئولان است. چنانچه انتظار می‌رود صداوسیما با درک موقعیت کشور در پخش برنامه‌هایش در تلاش باشد؛ بر این اتحاد و انسجام بیافزاید، نه اینکه در برنامه تلویزیونی بی‌توجه به اینکه هنوز این کهنز خم‌ها برای مردم باز است و دلخوری با باقی است، اعتراضات مردم در سال‌های ۸۸، ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ را در کنار واقعه طیس و حمله اسرائیل به ایران بگذارد و البته از تلویزیون هم پخش شود. در بخشی از این گفت‌وگو تصریح شد: «از طیس تا جنگ تحمیلی، فتنه‌های ۱۳۷۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، همواره مردم ایران پایان دهنده بحران‌ها بوده‌اند.» همین یک نمونه از اشتباهاتی است که می‌تواند تضعیف‌کننده همدلی پیش‌آمده باشند. چنانچه در این شرایط انتظار می‌رفت مسئولان برای ایجاد همبستگی بیشتر زندانیان سیاسی و چهره‌هایی که در همین روزها در درون زندان دل‌شان برای مردم و ایران پرمی‌کشد را آزاد کنند؛ نه اینکه چنین موضعی در صداوسیمای رسمی کشور منتشر شود و بغنوعی بیانگر آن باشد که در این روزهای سخت هم که مردم همدل شده‌اند، بر برخی به‌دنبال خودی و غیر خودی و شکاف بین حکومت و مردم بازنده کردن خاطرات و اختلافات سیاسی و اجتماعی مردم هستند. همانطور چهره‌هایی مانند سیدمحمد خاتمی و حتی برخی از مخالفان این حکومت به‌نام «ایران» تلاش کرده‌اند، انسجام و اتحاد ایجاد کنند. باید مسئولان به آنچه به‌عنوان صدای حاکمیت برای مردم پخش می‌شود، توجه بیشتر داشته‌باشند تا مانع از غیرسازی در جامعه نسبت به حکومت شوند. چنانچه خاتمی نیز در بیانیه‌اش می‌گوید: «باید این نعمت بزرگ از سوی همه ما به‌خصوص مسئولان نظام و دولتمردان به‌خوبی درک شود و... آینده بهتر با حضور همه نیروها برای ساختن ایران و تأمین عدالانه حقوق اساسی همه ملت ایران و بهره‌گیری از توان و حضور و مشارکت همگان» رقم بخورد.